

ایذه و سخی و تجانم معروف آن

مالامیر شهر بسیار قدیمی و از تلها و تپه‌هایی که در اطرافش نمایان است این موضوع واضح میشود، بخصوص دارای تپه بسیار بزرگی که امروزه در مرکز قصبه یاشهر قرار دارد و بر بالای آن خانه‌ها و کومه‌ها و سیاه‌چادر-های سکنه حالیه شهر ایذه واقع شده است.

این تپه بسیار مرتفع یقیناً آبادی قدیمی بوده و شاید چندین نوبت در این شهر آبادی شده و ویران گردیده است.

قبل از اسلام این شهر ایذه و بعد از اسلام ایذج نام داشته و دارای آتشکده‌ای هم بوده که تا زمان هرون الرشید بجامانده است. پلی روی مسیلی که از آنجا عبور

دکتر بهمن کریمی

میکند داشته و گردابی در این مکان موجود بوده که هر کس در این گرداب میافتاده آنقدر چرخ میخورده تا میمرده است.

اکنون از تمام این مکانها اثری بجا نمانده است.

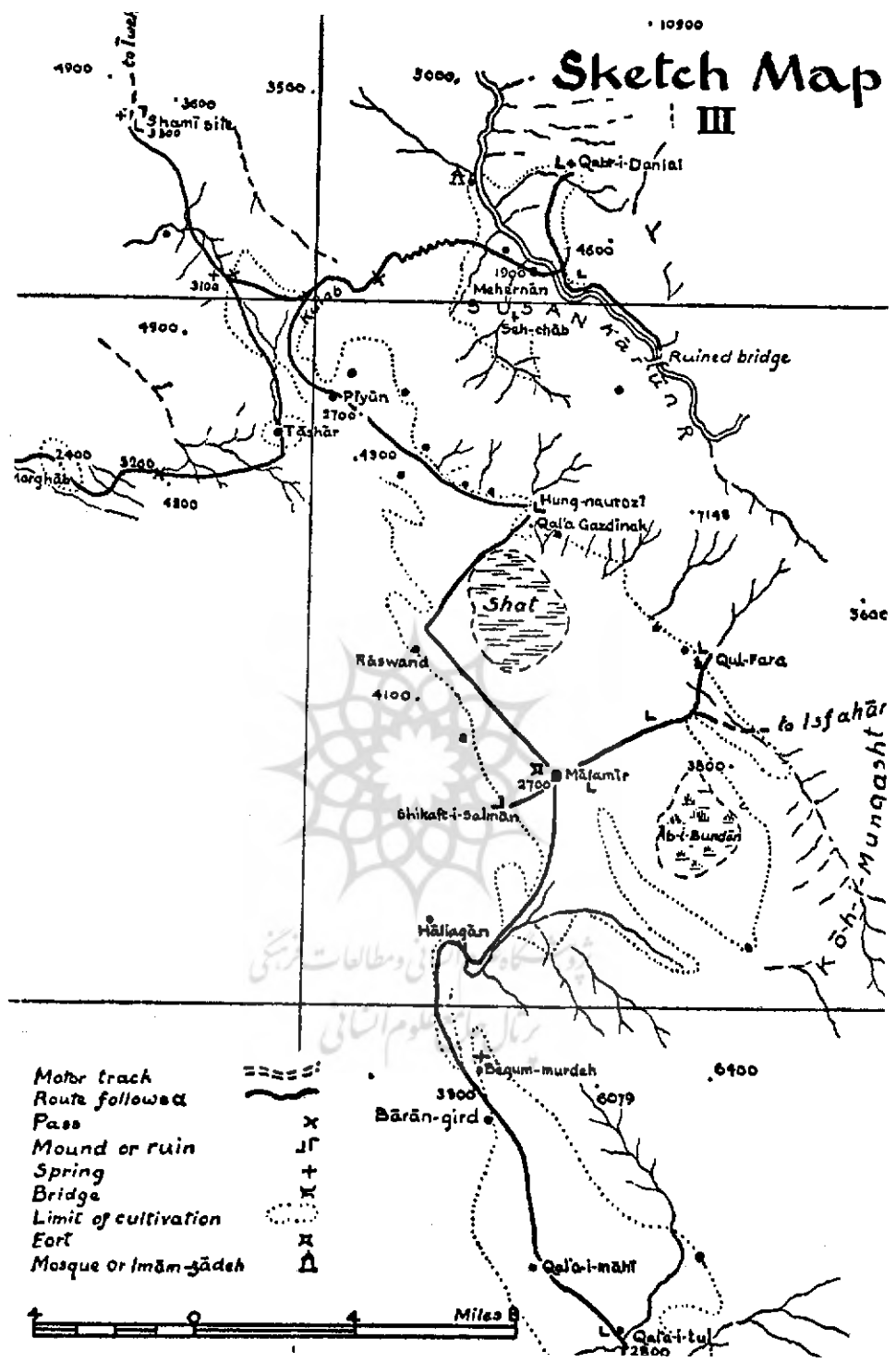
المقدسی - ابن خردادبه - یاقوت (در معجم البلدان) و (مراه البلدان) از این شهر قدیمی اسم میبرند. افسوس که همه آثار از بین رفته و اثری از هیچکدام باقی نیست. اکنون میدان وسیعی در وسط شهر بدون سکنه شاید با ۳۰۰ الی ۴۰۰ خانوار آنها خانه های گلی و بازار مختصری از مردم و کاسب های اصفهانی (بروجن اصفهان) چیز دیگری بنظر نمی رسد.

در قدیم شاید زمان شاه عباس بزرگ ایذه سر راه تجارت بین اهواز و اصفهانی بوده و فعلا فقط راه قافله روئی از آن میگذرد.

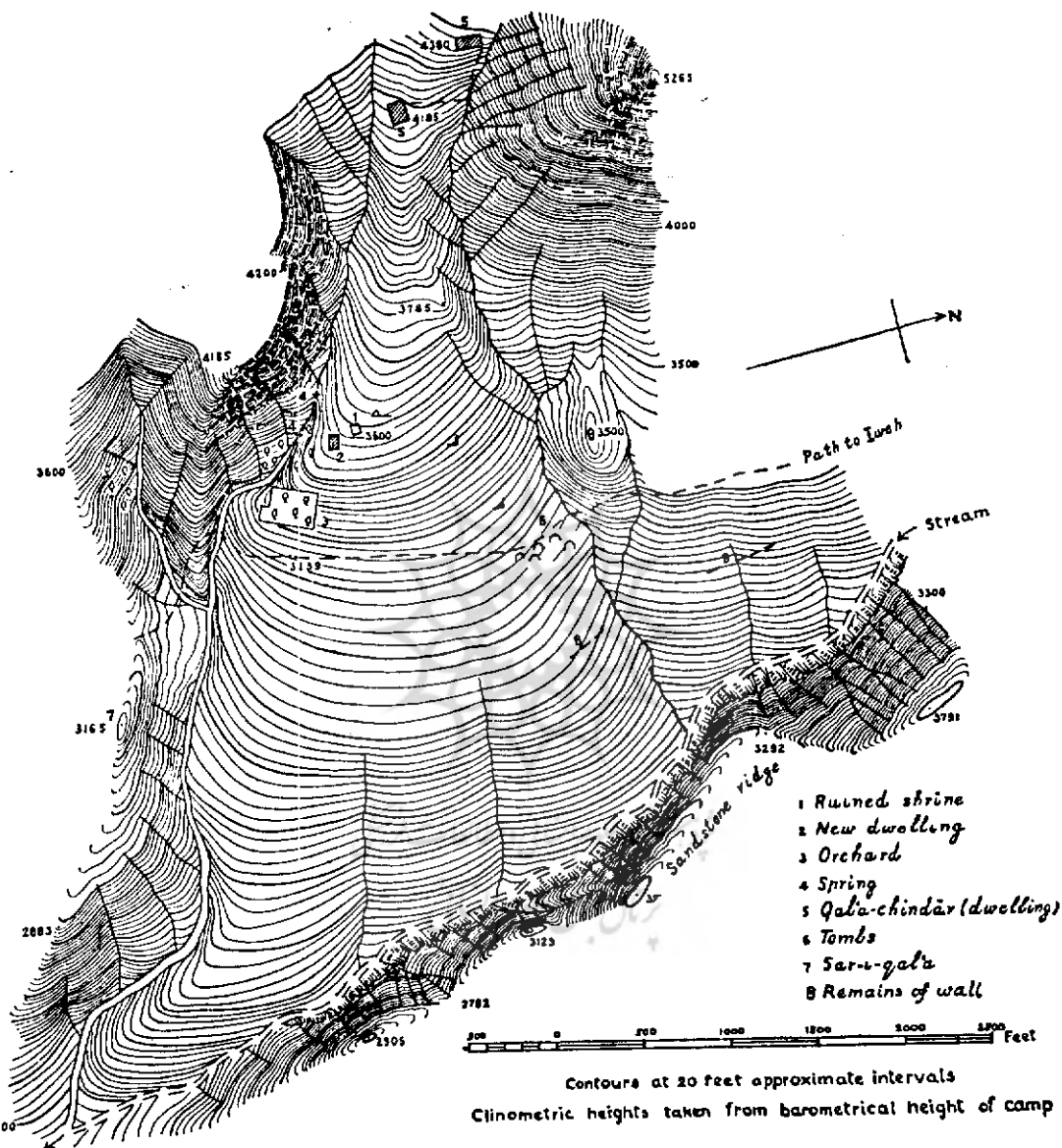
ابن خردادبه از شهرهای سر راه اهواز به ایذه اسم میبرد که حالیه اسامی تغییر شکل داده بصورت اهواز - ویس - رقیه - گزی - جابو - چشمه روغنی - آل خورشید - قلعه تل - ایذه - پل شالو - ده دز - شلیل - سرخون - دوپلون - ناقون - شلمزار - قهوه - رخ - بیسگون - پل برکون - اصفهان در آمده است.

لیارد Liyard عالم معروف انگلیسی مدتی از عمر خود را در قلعه تل و ایذه و بختیاری گذرانده و کتاب بسیار مفیدی راجع به تمام خصوصیات محل و طوایف بختیاری از خود برشته تألیف کشیده است. **ابن بطوطه طنجی** در عهد سلطنت **سلطان ابوسعید بهادر خان مغول (۷۲۵ هجری)** بقصد مسافرت و سیاحت آسیا حرکت کرده و در کتابش موسوم به **تحفة النظار فی غرائب الامصار و عجایب الانظار** اظهار میدارد که: در عهد حکمرانی **اتابک افراسیاب** در شوش و ایذج باین نواحی مسافرت کردم. از شهر شوش متر مسافرت نمودم سه منزل راه پیمودم و این سه منزل جمیع راه من از جبال شامخه بود. پس از طی این منازل بشهر ایذج آمدم (ضبط این اسم بکسر همزه و یا و ذال معجمه مفتوحه و جیم میباشد و نیز آنرا مالا میر گویند و غرض از اسم امیر، سلطان اتابک افراسیاب نصره الدین احمد میباشد) و پادشاهان شوش و ایذج را چنین اسم میبرد: **اتابک افراسیاب بن سلطان اتابک احمد - اتابک افراسیاب ثانی بن**

Sketch Map III



نقشه مالا میر. مالا میر در ۱۵۰ کیلومتری بین اهواز از یکسو و اصفهان از سوی
سوی دیگر واقع شده است.



10. PLAN OF SHAMĪ SITE, MĀLAMĪR

نقشه خرابه‌های مالا میر

سلطان اتابك نصره‌الدین احمد - اتابك يوسف شاه تانی - اتابك افراسیاب تانی.
اشكفت سلمان - سلیمان (اشكفت وشكفت در زبان فارسی بمعنای غار و
دخمه است) اشكفت سلمان یا سلیمان دخمه و غاری در کوهی در ایذج طبیعی
است و بسیار عجیب و غریب بنظر میرسد و منظره‌ای دلچسب و زیبا دارد و
چشمه آب صافی که در تابستان هم خشک نمیشود از زیر سنگهای این اشكفت
میگذرد. از تمام قسمتهای این اشكفت از بالا آب چکه میکند و شخص خیال
میکند باران میبارد.

داخل این اشكفت در وسط کوه دوسنگ باتصویر کنده کاری شده و هر
دو هم بواسطه حوادث دوران محكوك گردیده و از بین رفته است فقط خطهای
چندمیخی در کنار يك نقش نمایان است که آنها هم بواسطه باران سائیده شده
است. از طرف دیگر این حكاکی در وسط کوه بالای اشكفت و دسترسی بآن
دشوار است.

در يك تصویر دو نفر ایستاده و در نقش دیگر سه نفر دیده میشوند (برای
اطلاع بیشتر رجوع شود بکتاب لیارد Liyards انگلیسی)

در داخل تنگ ده بزرگی با قریب ۵۰ خانوار دیده میشود. وجود این
ده و گاو و گوسفندان و مردمان سبب شده که داخل این اشكفت بسیار کثیف
و در حقیقت آغلی بنظر میآید.

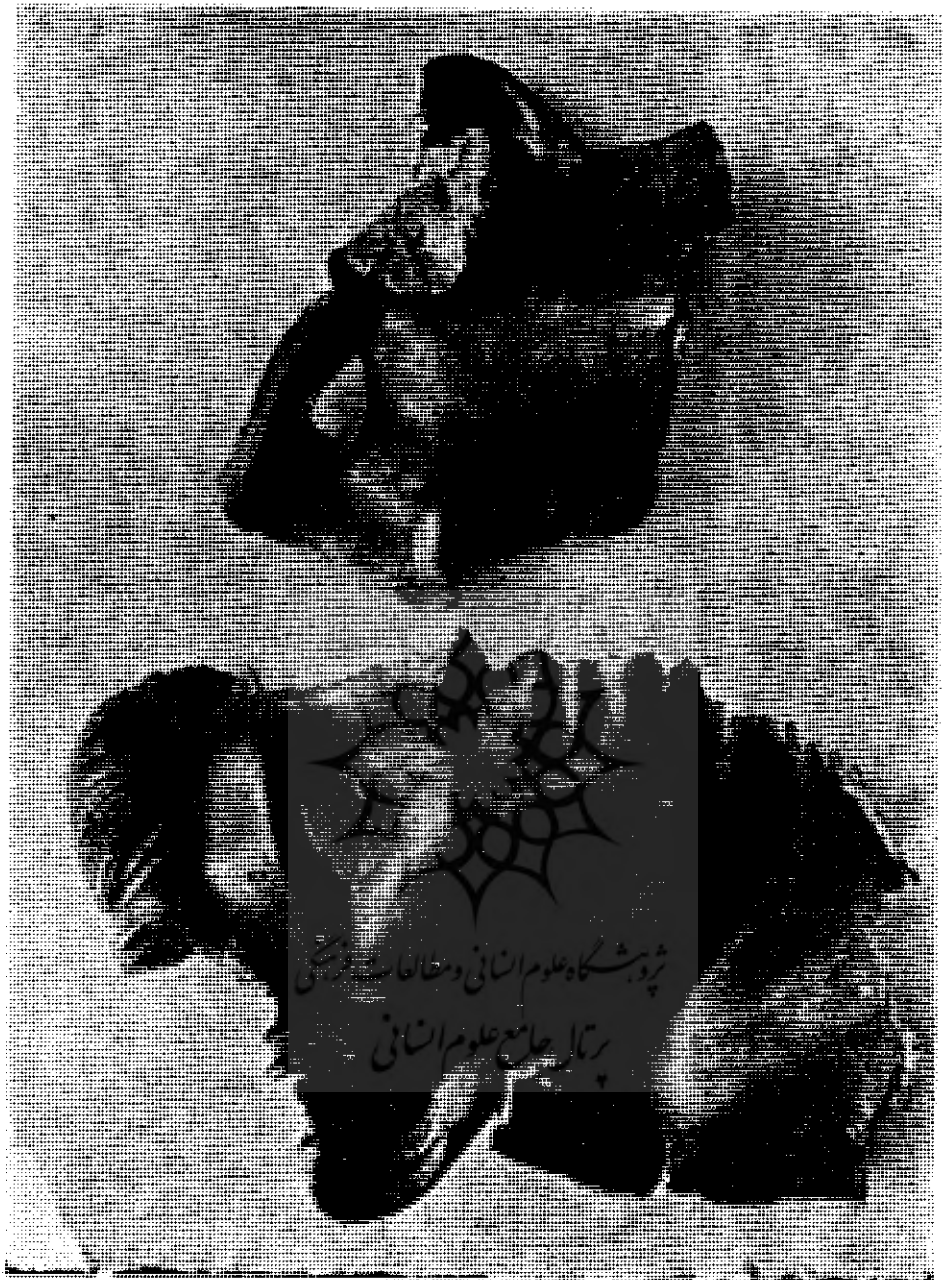
کول فره - این اسم را بعضی کول فره و برخی کوت فرنگ خوانده‌اند.
شیندلر سیاح معروف این اسم را کوت فرنگ خوانده و میگوید کوت
بمعنای خانه و فرنگ هم چون این نقاشیها لباسهای کوتاه دارند شبیه بفرنگیها
هستند، بدین مناسبت مردمان ایذج این دخمه‌ها را خانه فرنگیها نام داده‌اند.
این اشتها بکلی غلط است و کول بمعنای دره و فره بمعنای خوشحالی است
غرض آنکه عموماً دره‌ها دلتنگ و این دره بعکس روح افزا و بعکس همه
دره‌هاست.

کول فره دره‌ای تمیز و باصفا و روح افزاست. خانواده چندی در ابتدای
دره دیده میشوند. در این دره چندین سنگ منقوش بنظر میرسد سنگی که شاید
۲۰۰ نقش دارد اما افسوس که باران همه را از بین برده و اثری جز برآمدگی



نظمتات برنزی از ساعدو بازو و پنجه مکشوفه از بتخانه شمی

(۶)



دو صورت فلزی توخالی مکشوفه از بتخانه شمی

سنگ بجا نمانده و تنها سنگی که در زیر کمری واقع شده و نقوشی باخط میخی چند دارد از آسیب روزگار مصون مانده است.

لازم بتذکر است قسمتی از جاده اتابکی (اتابک نصره‌الدین احمد) که در قدیم بطرف اصفهان میرفته اکنون بطور واضح و کامل دیده میشود.

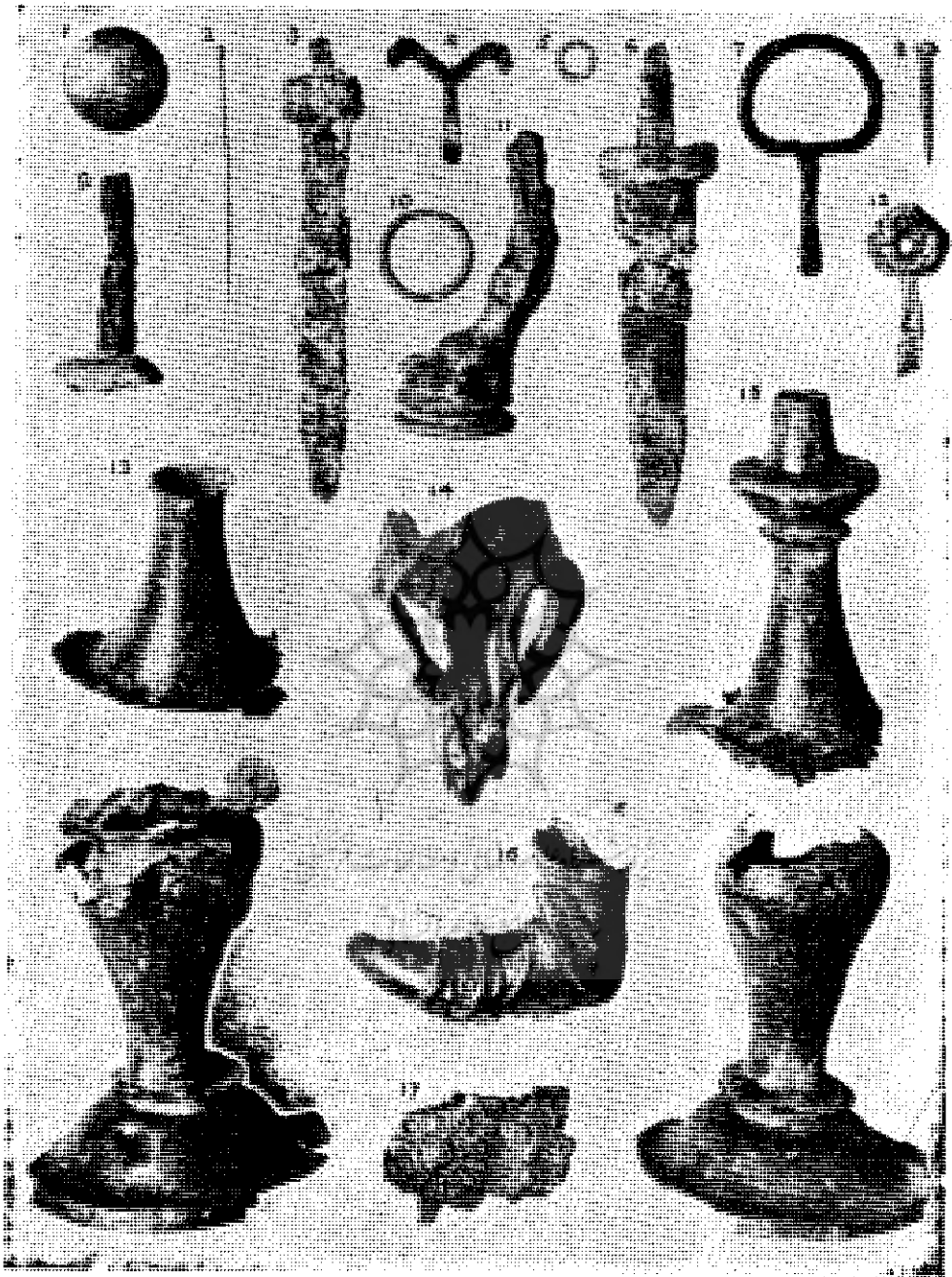
دهشمی - در نزدیکی مالا میر ایذه دهی است بنام شمی. این مکان در میان کوه‌های بلند واقع و جایی نسبتاً کوچک و بدون آبادی باراهی سخت و مشکل است و تصور نمیرود که تمدن قدیمی در آنجا موجود و یا در زمان قدیم محل سکنای مردمان قرار گرفته باشد.

در یکصد سال قبل خوانین بختیاری بنا بر گفته اهالی پولی از این مکان بدست آوردند و باز در ۵۰ سال قبل مردم حفاریهای بسیاری در آنجا نمودند ولی چیزی بدست نیامد. در سی سال پیش مردم بختیاری در این ناحیه برای اسکان شدن خانه می ساختند. در حین کندن زمین کلنگ بسختی بند شد. رعایاهم اصرار در بیرون آوردن آن داشتند. آخر الامر با زحمت بسیار شکم آن مجسمه بزرگ را سوراخ کردند و زمانیکه خاک را عقب زدند مجسمه‌ای بیرون آمد با سر و بدون دست و برای جستجو کردن دست مشغول حفاری شدند و در حال کاوش دست مجسمه را نیافتند ولی دست دیگری با دوسر و مجسمه کوچک دیگری پیدا شد بدین تفصیل:

۱- يك مجسمه تمام قد با سر ولی بدون دست بسیار بزرگ قامت این مجسمه ۹ فوت و ۵ اینچ و عرضش ۲ فوت و ۴ اینچ است. سر این مجسمه از جنس تنه او نیست؛ شاید مقداری طلا مخلوط دارد. ولی تنه مجسمه شاید برنز باشد. لباس این مجسمه عبارت است از کلاه و گیسوان که در پشت سر تابیده اما جلوی سر را بطرز یونانی بسته و کت و شلوار و گردن بند و کمر بند دانه نشان و در روی ران يك شمشیر و يك خنجر دارد.

بواسطه زدن کلنگ در موقع کندن پی بنا و بی احتیاطی شکم این مجسمه سوراخ شده است. این مجسمه از سرداران پارتی است (در ایران آثار هخامنشی و ساسانی بسیار و از پارت‌ها - اشکانیان - اثری در دست نیست).

۲ - يك مجسمه کوچکتر بالباس و طنابی روی دوش که یکدست بدان طناب گرفته با چکمه: طول این مجسمه نیم متر است.



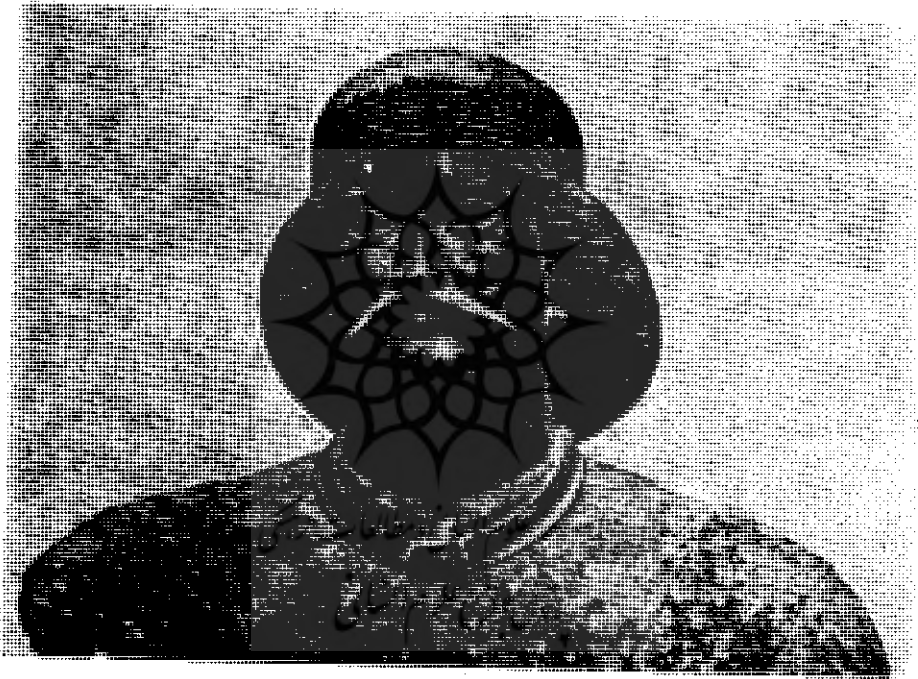
آلات، ابزار و ادوات شکسته و نیم شکسته فلزی بدست آمده از بتخانه شی



مجسمه یکی از سرداران پارتی (ممکن است ارد باشد) مکشوفه از بتخانه شمی

۳ - دوسر از مرمر یکی حجاری بطرز یونان که از یونان بایران آمده. شاید سر آفرودیتا باشد و دیگری سربارتی.

۴ - دو دست از مرمر یکی بزرگ و دیگری کوچک .
دو قطعه سنگ بشکل مربع مستطیل و با جای پای مجسمه‌ها بیرون آمده بود و در حین کندن بازسنگی بشکل دیویافته و خیال کرده بودند که در شکم این سنگ دفینه است و سنگ را از وسط دو نیم کرده بودند که البته جای افسوس است .



سر مجسمه که حدس زده میشود یکی از سرداران پارقی و یا ارد باشد

مکان این مجسمه‌ها تاده شمی ۵ میل خشکی فاصله دارد . این مکان در وسط مربعی است بعرض ۲۹ فوت و ۶ اینچ و بطول ۳۰ فوت و ۶ اینچ و دورادور راهم دالانی کنده بودند . مجسمه‌ها را یسافته سنگهای زیاد را از زیر خاک با آجرهای بسیار ضخیم که شاید چهار آجر را روی یکدیگر بگذارند باز این



دو سرمرمری که تصور می‌رود یکی سر آفرودیت و دیگری سر اشکانی باشد ،
مکتشفه از بتخانه شمی

آجرها قطورتر است (مانند آجرهای معروف کریمخانی) از زیر خاک پیدا شده بود. مکانی داشت که شاید کوره آجرپزی شمی بشمار می‌آید .

در شمی مکانی بشکل راه آب بزرگ Aqué - Duc با آجرهای قطور ساخته شده بود و قبرهای بسیار بطرز ساسانیان نمودار بود که همه را برای دفینه شکافته بودند . در سطح این مکان بقطر دو سانتیمتر زمین پوشیده از یکورقه اسفالت قرمز رنگ بود . (بهمان رنگی که در تالار صدستون تخت جمشید و شوش دیده شده است) .

بنای روی زمین شاید از زمان ساسانیان باشد ولی آثار زیادی در دست نبود تا بتوان بطور قطع و یقین حدس زد . فقط چند ستون و سرستون دیده می‌شد .

اما مجسمه‌ها از زیر این زمین اسفالت شده بدست آمده بود و در زیر این زمین تمدنی قدیمتر وجود داشت .

پس معلوم میشود که هم در سطح این زمین اسفالت زیری تمدن قدیمی (از دوره ساسانیان) و هم در این زیر زمین اسفالت شده تمدنی (از دوره پارسی) وجود داشته است. در سطح زمین اسفالت شده ستونهای سنگی با ارتفاع یک متر در چهار طرف دیده میشود.

من اولین کسی بودم که بمعیت سر اورل استین Sir Aurel - Stein عالم و دانشمند و باستانشناس معروف انگلیسی، شمی و این مجسمه‌ها را دیدیم و عکسبرداری و جزئی حفاری کردیم.

کسانی که بعد از ما تصویر این مجسمه را انتشار داده‌اند همه و همه از من گرفته بدون اینکه نامی از من برده باشند چه خواسته‌اند باسم خودشان منتشر کنند.

در قسمت های مختلف این بنا آثاری از بازو و پنجه و انگشت، قطعات آهن و کوزه‌های سفالی و شمعدان و میخ‌های تزئینی گلی یا فلزی رنگی و خنجر و لگام اسب در قبور و صورتهای فلزی از آهن بدست آمد.



دو دست و یک سر و یک مجسمه بی سر بر نری مکشوفه از بتخانه شمی

تعجب در این است که بانبودن راه خوب و نداشتن وسعت این مکان در این کوهستان این تمدن عالی ایرانی و یونانی مخلوط چطور پیدا شده است. حدس قوی اینست که این مکان بتخانه بوده زیرا پس از اسکندر بیشتر آداب و عادات ایرانیها با یونانیها مخلوط شده و ایرانیها بتقلید یونانیها اصنام را احترام میگذازدند و این بتخانه را ایرانیان و یا یونانیان مقیم ایران ساخته بودند و در زمان تسلط ساسانیان سوخته و خراب شده است.

مردمان بسیاری در اطراف این بتخانه متبرک منزل داشتند زیرا قبور فراوانی در این ناحیه هست و یا بمناسبت متبرک بودن این مکان قبوری چند در کنار این بتخانه احداث شده است (مانند منازل متبرکه امروزه در دنیا) .

مورخین از بتخانه‌های یونانیان در ایران بسیار صحبت داشته‌اند ولی اولین دفعه ایست که این بتخانه در ایران آنها در شهری بدست آمده است .

شمی حصار از سنگین داشته که کاملاً مشهود بوده و نیمی بجای و نیمی ریخته بود. دو در یکی در شمال و دیگری در شمال غربی که مخصوص بتخانه بود نمایان گردید که از سنگ یک تخته ساخته شده بود .

این بنا از اثر باد و باران خراب نشده بلکه دست آدمی آنرا ویران کرده است : اشیاء بسیاری شکسته و خرد شده از قبیل سر بی‌دست - دست بی‌سر - سر بی‌پا و پای بی‌سر که گویا پس از رفتن اسکندر مردم و یابارتی‌ها این مکان را با آتش و خون کشیده‌اند ، وجود داشته است.

سنگ بزرگی بطول سه فوت و بعرض و ارتفاع یک فوت در کنار این بتخانه بر روی زمین قرار داشت که دو قطعه آهن کلفت سنگ را سوراخ کرده و با ارتفاع سه سانتیمتر از سطح سنگ بالا آمده بود . شاید این سنگ مکان مجسمه بوده که با قطعات آهن بمجسمه برای محکمی و استحکام اتصال داده بودند، بعد شکسته و سوخته و ریخته و افتاده است. در وسط بناقبری و پله کانی با آجر و بسیار زیبا مشاهده شد. (برای اطلاع بیشتر رجوع شود به جله Reru des Arts - Asiatiques و شهر دورا Dura که تازمان اردشیر باقی مانده و بتخانه بسیار معظمی داشته و اشیاء بسیاری از این مکان بدست آمده زیرا پس

از اردشیر دیگر بنائی نشده و یکسره خراب و ویران مانده و تمام بتخانه در زیر زمین مدفون گردیده است) . این بتخانه نیز در زیر زمین مدفون بوده با آن که ساکنین محل قبور را بامید دینه تقریباً شکافته و از بین برده اند ، اگر روزی و روزگاری در آن سرزمین حفاری دقیق و کامل بعمل آید بسیار اشیاء و مقابر و مکانهای دیگری بدست خواهد آمد .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی